

الزامات فرهنگی از منظر رویکرد بازسازی اجتماعی آینده‌گرا؛ در اسناد توسعه جمهوری اسلامی ایران

karimivoice@gmail.com

m48r52@gmail.com

rmarzoghi@yahoo.com

mmazidi52@gmail.com

taghavinhasab.n@gmail.com

محمدحسن کریمی / استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز

مهدی محمدی / دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز

رحمت‌اله مرزوقی / استاد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز

محمد مزیدی / دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز

سیده‌نجمه تقوی‌نسب / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز

دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۱ - پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۰

چکیده

نظریه بازسازی اجتماعی، با رویکرد آینده‌گرایی به دلیل در نظر گرفتن تغییرات و تحولات سریع و پیش‌بینی وضعیت آینده می‌تواند در حل چالش‌های آینده فرهنگی مؤثر باشد. آلوین تافلر، از نظریه‌پردازان مطرح در این حوزه است. او بر اساس واقعیت‌های موجود، تحولات آینده جهان را بخصوص در زمینه فرهنگی، توصیف نموده است. در این پژوهش، با روش تحلیل محتوای کیفی، پنج ویژگی فرهنگی مهم جوامع آینده که عبارت بودند از: توسعه روابط فرهنگی در سطح جهانی، توسعه قومیت‌گرایی، رشد ارزش‌ها و معنویات، هویت‌یابی فردی و نهاد خانواده، به دست آمد. در ادامه، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سند توسعه برنامه ششم بر اساس این ویژگی‌ها، مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد که لازم است به توسعه روابط فرهنگی در سطح جهانی، بیشتر توجه گردد. همچنین، انتظار می‌رود که در تدوین اسناد توسعه جدیدتر، به تحولات و چالش‌های فرهنگی آینده، توجه بیشتری شود.

کلیدواژه‌ها: تافلر، فرهنگ، اسناد توسعه، بازسازی اجتماعی آینده‌گرا.

از جمله عرصه‌های مهم هر جامعه، عرصه فرهنگی است که لازم است همواره برای بهبود و توسعه آن، اقدامات لازم انجام گیرد. صاحب‌نظران فرهنگی، عدم شناسایی نیازهای جدید و پاسخگویی به مطالبات نو، به‌روز نبودن دستگاه‌های فرهنگی و دینی، به‌ویژه در بُعد ارتباطی و کاهش کارایی آنها، به علت جهانی شدن را از جمله چالش‌های موجود در حوزه فرهنگ می‌دانند. گرچه اکثر برنامه‌های توسعه با عنوان اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نامبرده می‌شوند، اما توجه کمتری به امور فرهنگی می‌شود و سهم فرهنگ در این برنامه‌ها، ناچیز بوده است (گزارش فرهنگ و رسانه، ۱۳۹۵، ص ۱۱). اهمیت و کارکردهای فرهنگ، از جمله انسجام‌بخشی، قالب‌ریزی شخصیت، سازگاری با محیط و هویت‌بخشی آن موجب شده است که بسیاری از کشورها، برنامه‌هایی برای مدیریت فرهنگ داشته باشند. در ایران نیز سیاستگذاری فرهنگی، به‌عنوان یک ضرورت شناخته شده است (آزاد ارمکی و منوری، ۱۳۹۱). به همین دلیل، در برنامه‌های توسعه، دولت موظف به ارزیابی وضعیت فرهنگی موجود و انجام مطالعات و تحقیقات لازم برای شناسایی چالش‌ها و بحران‌های فرهنگی ناشی از توسعه ارتباطات فرهنگی و ته‌اجم فرهنگی بیگانه و نیز اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی در دستگاه‌های مختلف، شده است (ماده ۱۶۲ قانون سوم توسعه). شناخت ویژگی‌های فرهنگی که ضرورتاً در جوامع آینده شکل خواهند گرفت، کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی‌های مرتبط با توجه به افق‌های زمانی گسترده‌تر شکل گیرد و پیوسته تجدیدنظر شوند. در بین نظریه‌های تربیتی، نظریه بازسازی اجتماعی، به لزوم تغییر و بازسازی در جوامع، توجه بیشتری معطوف می‌دارد. این نظریه، با توجه به تأکیدی که بر آینده دارد، معتقد است: برای رسیدن به موقعیت بهتر و حل بحران‌های موجود در جامعه، باید از افق بالاتری به اهداف تربیتی و آموزشی توجه شود. رویکرد آینده‌گرایی در ادامه بازسازی‌گرایی اجتماعی، به وضعیت جامعه در آینده توجه خاصی دارد. آینده‌گرایان، آن دسته از نظریه‌پردازان تربیتی هستند که سعی دارند تا خط سیر تحولات اجتماعی و فناوری را پیش‌بینی کنند و انسان‌ها را به دانش کنترل و هدایت تحولات تجهیز نمایند (گوتک، ۱۳۸۸، ص ۴۶۴). گرچه بازسازی اجتماعی آینده‌گرا، یک نگرش کامل و نهایی که به‌طور کامل شرایط آینده را ترسیم کرده باشد، نیست، اما می‌تواند با توجه به امکانات و روند تغییرات آینده، جهت حرکت جامعه آینده را نشان دهد (اسکایرو، ۲۰۰۵، ص ۲۱۷). در این میان، *آلویین تافلر* چهره معروف رویکرد آینده‌گرایی و نویسنده کتاب‌های *شوک آینده*، *موج سوم* و *تغییر ماهیت قدرت*، جنبه‌های گوناگون زندگی آینده افراد را از زوایا و ابعاد متعدد مورد بررسی قرار داده است. آثار *تافلر*، به زبان‌های مختلف از ژاپنی و چینی و کره‌ای گرفته تا اسپانیایی، ترکی و دانمارکی و هلندی و فارسی ترجمه شده است. *تافلر*، در کتاب *موج سوم*، تاریخ تمدن بشر را به حضور سه موج پیوسته تقسیم کرده است: عصر کشاورزی؛ عصر صنعتی؛ و عصر اطلاعات که به گفته او از دهه ۱۹۵۰ آغاز شده است. وی معتقد است: چون ورود به موج سوم، همه چیز را عمیقاً دگرگون می‌سازد، لازم است افراد جوامع مختلف از قبل برای روبرویی با این تغییرات آماده باشند. این پژوهش، از این جهت به بررسی مطالعات

تافلر پرداخته است که وی قصد دارد به شکل توصیفی، با توجه به آنچه در حال شدن هست، ساختارهای جامعه آینده را توصیف کند. تحلیل‌ها و نظرات *تافلر*، برگرفته از مشاهدات وی در موقعیت‌های تجربی و واقعی است (استراترن، ۲۰۰۸). او در نظریات خود، به تجویز و نسخه‌نویسی برای آینده پرداخته است. به نظر وی، بر اساس وضعیت حال و گذشته جوامع، این آینده ضرورتاً شکل خواهند گرفت. در واقع، پیش‌بینی‌های *تافلر* از تمدن موج سوم و آینده، همان رخداد‌های در حال شکل‌گیری جوامع است. نظریات او، حاکی از بیان واقعیت‌هایی است که در سطح وسیع جهانی اتفاق افتاده یا در حال وقوع می‌باشد. بنابراین به یک محدوده خاص جغرافیایی اختصاص ندارند. *تافلر*، به طور جامع به همه ابعاد موجود در مسیر تغییرات آینده، اعم از اقتصاد، سیاست، تعلیم و تربیت، فرهنگ و ارتباط بین آنها توجه نموده است (خوارزمی، ۱۳۹۵، ص ۱۰). وی با یک نگرش همه‌جانبه و دقیق، نسبت به پیوستار زمان، چالش‌ها و فرصت‌های آینده را تدوین نموده است (پانتزار، ۲۰۱۰). از نظر *تافلر*، چون بستر کنونی جامعه بر مبنای تغییرات و ناپایداری‌های سریع و پرشتاب است، لزوم شناخت تحولاتی که در پی ظهور تمدن جدید و فرا صنعتی خواهد آمد، به همراه آشنایی با ویژگی‌های موج دومی، افراد را برای حضور در موج سوم آماده خواهد ساخت. لازم به یادآوری است که این مقاله، قصد نقد اسناد توسعه بر اساس نظرات *تافلر* را ندارد؛ بلکه هدف این پژوهش، لزوماً انطباق و همانندی با آنچه *تافلر* در زمینه‌های مختلف از جمله فرهنگ می‌گوید، نیست، بلکه هدف اصلی، ایجاد درک دقیقی از واقعیت‌های موجود جهانی در حوزه فرهنگی می‌باشد تا بتوان از یک‌سو، با توجه به آن واقعیت‌ها و از سوی دیگر، با نگاه ملی و بومی، به مسائل پیش‌روی عرصه فرهنگ پرداخته شود و با بومی‌سازی این ویژگی‌ها، آماده حضور در برابر تغییرات آینده شد. در این راستا، این پژوهش ابتدا به بررسی ویژگی‌های فرهنگی جوامع آینده می‌پردازد. در ادامه، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سند توسعه برنامه ششم، از لحاظ توجه به این الزامات مورد بررسی و تحلیل قرار خواهند گرفت.

اهمیت ساختار فرهنگی از منظر آینده‌گرایی

یکی از دلایل اهمیت مسائل فرهنگی از منظر رویکرد آینده‌گرایی، این است که در آینده اقتصاد و رفاه اقتصادی، در درجه دوم اهمیت قرار خواهند گرفت و مسائل اجتماعی و فرهنگی مانند بحران‌های جنگ، خشونت، صلح و... در اولویت قرار می‌گیرند (تافلر، ۱۹۸۹، ص ۳۵۷). به نظر *تافلر*، عوامل فرهنگی مانند مذهب و خانواده در موج سوم، اهمیت مجدد خود را بازمی‌یابند. او حتی این موضوع را یک چالش موج دومی در برابر موج اول می‌داند که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است. *تافلر*، در این باره می‌گوید: تکنوکرات‌های دولتی تعلیم‌یافته غرب، که حکومت تهران را اداره می‌کردند، توسعه را صرفاً یک فرایند اقتصادی می‌دانستند. مذهب و فرهنگ و خانواده در نظر آنان، چندان مهم نبود، آنچه اهمیت داشت این بود که وضع اقتصادی روبه‌راه باشد. اصالت فرهنگی چندان معنایی نداشت (تافلر، ۱۹۸۹، ص ۳۳۰). *تافلر*، از جمله ویژگی‌های فرهنگی موج سوم را گرایش به تنوع، تغییر و رشد می‌داند (همان، ص ۳۰۹). وی بحران را مترادف با شروع تغییرات عمده در زندگی می‌داند. به نظر او،

بحران عبارت است از: هرگونه انتقال چشمگیر و مهم و تغییرات اساسی در زندگی، که بدون آمادگی افراد رخ دهد (تافلر، ۱۹۷۱، ص ۱۹۷). بنابراین، بحران‌های فرهنگی، هنگامی ایجاد می‌شوند که به دلیل تغییرات سریع، فرهنگ‌های جدید در برابر فرهنگ‌های قدیمی قرار می‌گیرند. او بیشتر این آشفتگی‌ها را ناشی از برخورد فرهنگ، در حال پیدایش موج سوم با اندیشه‌های نظام صنعتی می‌داند؛ زیرا در جریان موج دوم، توجه به تولیدات انبوه و بازاریابی برای کالاهای تولید شده، موجب گردید که جوامع از توجه به فرهنگ، جاری خود بازمانند. اما با ورود به دوران فراصنعتی، توجه به فرهنگ‌های متفاوت جایگاه اصلی خود را یافتند.

مرور برنامه‌های فرهنگی اسناد توسعه

در ابتدا لازم است که در یک نگاه اجمالی، برنامه‌های فرهنگی ذکر شده در اسناد توسعه اول تا ششم، مورد بررسی قرار گیرد. در برنامه توسعه اول (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲)، روند اجرایی در زمینه فرهنگ، بیشتر شامل تجهیز و تکمیل زیرساخت‌ها، از جمله احداث و توسعه مدارس و مراکز فرهنگی هنری ورزشی می‌گردید. تأسیس نظام متحد و هماهنگ امور فرهنگی و تبلیغی کشور، تفاهم‌نامه علمی با کشورهای خارجی دوست در زمینه مبادله استاد و دانشجو، تقویت و توسعه ایران‌گردی و جهانگردی برای کمک به ارتقا سطح تفاهم و وحدت ملی و اسلامی، از دیگر مواد این برنامه بودند. مسائل فرهنگی برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸)، در قالب ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی و رشد فضائل آمده است. این امور، شامل رشد فضائل بر اساس اخلاق اسلامی و ارتقا کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه، تلاش برای شناخت شیوه‌های تهاجم فرهنگی دشمن و برنامه‌ریزی برای مقابله جدی با آن، واکنداری فعالیت‌های اجرایی به مردم و تقویت مشارکت عمومی، با توجه به سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و نظارت دولت بود. همچنین، در این برنامه ضمن اشاره به تهاجم فرهنگی، بر هویت‌یابی جوانان از طریق آشنایی با موارد غنی فرهنگی، اسلامی و ملی و مبارزه با روحیه از خودبیگانگی، در برابر فرهنگ غرب تأکید شده است. در برنامه سوم (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳)، دولت به ارزیابی وضعیت فرهنگی موجود و انجام مطالعات و تحقیقات لازم برای شناسایی چالش‌ها و بحران‌های فرهنگی ناشی از توسعه ارتباطات فرهنگی و تهاجم فرهنگی بیگانه و نیز اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی در دستگاه‌های مختلف، از جمله ارتباطات جمعی، موظف گردیده است. در این سند، گسترش امکانات و خدمات و فضاهای فرهنگی، ورزشی هنری، اعتلای معرفت دینی و قرآنی، شناخت تحولات فرهنگی جامعه و چگونگی تأمین بودجه و هزینه‌های فرهنگی، مورد توجه بوده است. در روند تدوین برنامه‌های توسعه، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، در سال ۱۳۸۴ به‌عنوان معتبرترین سند در راستای شناسایی و معرفی چالش‌های جدید کشور در آینده، به تصویب رسید. این سند، برای تبیین افق وسیع‌تر برای توسعه ایران، در زمینه‌های مختلف فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تدوین گردید و به‌عنوان مبنایی برای سیاست‌های کلی برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه قرار گرفت.

اولین برنامه تدوین شده بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸)

می‌باشد. در این برنامه، با دید بازتری به مقوله فرهنگ توجه شده است. فرهنگ از مفهوم خاص تقویت و ایجاد ارزش‌ها که در اسناد قبلی وجود داشت فاصله گرفته و محدوده وسیع‌تری، اعم از اقتصاد، هنر و توسعه تعاملات فرهنگی را دربر می‌گیرد. در برنامه چهارم، بر صیانت از هویت فرهنگ اسلامی ایرانی، تمیق ارزش‌ها و باورهای معنوی و اعتلای معرفت دینی، همگرایی میان فرقه‌ها و مذاهب مختلف اسلامی در کشور، تقویت تعامل فرهنگ‌ها و زبان‌های بومی و معرفی وجوه گوناگون فرهنگ بومی، در سطح ملی تأکید گردیده است. همچنین، دولت مکلف شده بود برای ترویج فرهنگ صلح، عدم خشونت و همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها، در مناسبات بین‌المللی و تحقق گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، اقدامات لازم را به‌جا آورد. از دیگر توصیه‌های برنامه چهارم، فراهم‌سازی شرایط لازم برای تبادل آرا و نظرهای متفکران، هنرمندان و نهادهای علمی و فرهنگی، برنامه‌ریزی برای مشارکت و حضور فعال در مجامع منطقه‌ای و جهانی در باب گفت‌وگوی تمدن‌ها، تقویت زبان‌ها و وجوه گوناگون فرهنگ بومی بود. در برنامه چهارم توسعه، برای اولین بار از مفهوم «رونق اقتصاد فرهنگی» و «هنری»، با هدف ورود به بازارهای جهانی سخن به میان آمد و به ضعف مبادلات فرهنگی نیز اشاره شد. به عبارت دیگر، در این برنامه از محدودیت انحصاری فرهنگی که در اسناد قبل وجود داشت، فاصله گرفته شد. برنامه پنجم (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴)، امور فرهنگی و اجتماعی را در دو بند جداگانه مورد توجه قرار داد. تأکید بر تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن، تقویت هویت ملی جوانان، متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی، مقابله با جریان انحرافات در حوزه دین، تقویت قانون‌گرایی، انضباط اجتماعی، وجدان کاری و خودباوری، تأکید بر الگوی توسعه اسلامی ایرانی، توسعه تولیدات و فعالیت‌های فرهنگی و هنری و حضور در فضای مجازی، از جمله سیاست‌های این برنامه بود. همچنین، بر استفاده بهینه از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، برای تحقق اهداف فرهنگی نظیر مقابله با تهاجم فرهنگی و فراهم آوردن زمینه بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت رسانه‌های تأکید شده است. برنامه ششم (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰)، در بخش مربوط به فرهنگ، هنر و ورزش، طی سیزده ماده به این موارد، از جمله ارائه و ترویج سبک زندگی ایرانی اسلامی، میراث فرهنگی، تقویت نهاد خانواده و توسعه فضاهای مذهبی و فرهنگی پرداخته شده است. مهم‌ترین هدف سیاست‌های فرهنگی پنج ساله ششم، رسیدن به الگوی تفکر اسلامی پیشرفت می‌باشد. نوع نگاه به ابعاد فرهنگی در برنامه پنجم و ششم توسعه، بیشتر به سبک زندگی اسلامی، ایرانی و ترویج آن معطوف است.

روش پژوهش

روش پژوهش، از نوع تحلیل محتوای کیفی است. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و مضمون‌سازی دانست (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). این روش، تلاشی فراتر از شمارش واحدهای متنی است. آنچه در تحلیل محتوای کیفی مهم است، چگونگی ارزیابی و تفسیر داده است (بروس و برگستون، ۲۰۱۷، ص ۲۶). در واقع، تحلیل محتوا در پی

دستیابی به دیدگاهی یکپارچه، از متون مختلف در ارتباط با زمینه مورد نظر است. در این پژوهش، از تحلیل محتوای متعارف یا عرفی استفاده شده است. این نوع تحلیل، معمولاً در مطالعاتی به کار می‌رود که هدف آن، شرح یک پدیده است (شی‌به و شانون، ۲۰۰۵). در این حالت، پژوهشگران مقوله‌ها را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از داده‌ها استخراج می‌کنند (عادل مهربان، ۱۳۹۴، ص ۴۲). منابع مورد استفاده در این پژوهش، شامل کتاب‌ها، مصاحبه‌ها و مقاله‌های *الوین تافلر* و همچنین، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سند توسعه برنامه ششم می‌باشند. برای گردآوری داده‌ها، ۵۰ کد اولیه از متون مختلف استخراج شد که بیانگر ویژگی‌های فرهنگی جوامع آینده بودند. با استفاده از مقایسه مداوم مضامین پایه‌هایی که به یک جنبه مشترک دلالت داشتند، مشخص گردید و بر اساس تفاوت‌ها و شباهت‌هایشان در سازمان‌دهنده‌های مربوط قرار داده شدند. سپس، این ویژگی‌ها در اسناد فرادستی ایران مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، ابتدا به‌وسیله تحلیل محتوای کیفی مضامین الزامات فرهنگی جوامع آینده، شامل توسعه روابط فرهنگی در سطح جهانی، توسعه قومیت‌گرایی و خرده‌فرهنگ‌ها، رشد ارزش‌ها و معنویات، هویت‌یابی فردی و نهاد خانواده از متون موردنظر استخراج گردیدند. سپس، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ (۱۳۸۴) و سند توسعه برنامه ششم (۱۳۹۶) تا ۱۴۰۰، از منظر توجه به این ویژگی‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند که در این قسمت به این موارد اشاره می‌گردد:

۱. توسعه روابط فرهنگی در سطح جهانی

فرایند جهانی‌شدن و توسعه روابط فرهنگی در سطح جهانی، با سرعت فزاینده در حال پیشرفت است. *تافلر*، یکی از عوامل این تغییر جهت را تحرک و مرززدایی می‌داند (*تافلر*، ۱۹۷۱، ص ۵۶). از آنجاکه در عصر اطلاعات، افراد در طول زندگی خود، مکان‌های بیشتری را می‌بینند و مدت پیوند با مکان‌ها نیز کوتاه‌تر می‌گردد. از این‌رو، به تفاوت‌های فرهنگی توجه بیشتری خواهد شد. *تافلر*، توجه به این تفاوت‌ها را از ویژگی‌های جهانی‌شدن می‌داند. جهانی‌شدن در آینده به‌معنای یکدست شدن فرهنگ‌ها و حذف هویت‌های فرهنگی و یکسان‌سازی نیست. آنچه در این فرایند رخ می‌دهد، توسعه و تعامل فرهنگی است. تبدلات فرهنگی بین ملت‌ها و فرهنگ‌ها در آینده، به‌راحتی صورت خواهد گرفت، بدون اینکه فرهنگ‌های مختلف هویت خود را از دست بدهند. سند راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بر پایه برنامه ششم توسعه، بارزترین نقاط فرهنگی را ضعف تعامل سازنده بخش فرهنگ با سایر بخش‌های نظام و ناکارآمدی ابزارهای فرهنگی در مواجهه با فرهنگ جهانی و فقدان استراتژی‌های منسجم ملی در تعامل فرهنگی با جهان را از نقاط ضعف درون فرهنگی دانسته است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۴۶). در اسناد قبل از سند چشم‌انداز، تعاملات جهانی در زمینه فرهنگی کمرنگ‌تر به چشم می‌خورد، اما در اسناد جدید، به توسعه روابط فرهنگی در سطح جهانی، با هدف ایجاد همگرایی بین کشورهای اسلامی بیشتر توجه شده است. ماده ۹۲ برنامه ششم در بخش فرهنگ، هنر و ورزش، به حمایت از تولیدات و محصولات فرهنگی، مذهبی و هنری و تقویت ظرفیت میراث

فرهنگی در تعاملات بین‌المللی پرداخته که در ادامه، ماده ۱۰۰ نیز سازمان میراث فرهنگی را به تدوین سند راهبردی توسعه گردشگری موظف کرده است. ماده ۱۰۵ این برنامه، بر ایجاد بسترهای لازم برای تنوع‌بخشی و تقویت پیوندهای همه‌جانبه با کشورهای هدف، به‌ویژه کشورهای منطقه و همسایه تأکید گردیده است. در این رابطه، سند چشم‌انداز نیز به تحکیم روابط با جهان اسلام و ارائه تصویر روشن از انقلاب اسلامی و معرفی فرهنگ و هنر و تمدن ایرانی اشاره نموده است (بند ۳۰ سند چشم‌انداز). همچنین، در بند ۳۲ این سند به تقویت حضور فرهنگی جمهوری اسلامی، در مجامع جهانی و سازمان‌های بین‌المللی، پرداخته شده است.

۲. توسعه قومیت‌گرایی

تکثر فرهنگی و توسعه قومیت‌گرایی، از مسائل مهم آینده جهان محسوب خواهد شد. رشد گروه‌های محلی و بومی، از جمله ویژگی‌های ساختار فرهنگی آینده است. در این باره *تافلر* معتقد است: در جهان آینده، ما شاهد کثرت‌های کاملاً متفاوتی هستیم که فردیت فرهنگی، قومی و ملی خود را حفظ کرده‌اند (تافلر، ۱۹۹۱، ص ۳۷۹). به عقیده او انبوه‌زدایی، جوامع موج سوم را به سمت تنوع هویت‌ها و قدرت یافتن اقلیت‌ها پیش خواهد برد؛ زیرا گروه‌های قومی و اجتماعی، به دلیل نیازهای متفاوت از هم فاصله خواهند گرفت. جوامع آینده از یک‌سو، با تکثرگرایی فرهنگی و درهم‌آمیزی قومیت‌ها روبرو خواهند شد. از سوی دیگر، اقلیت‌ها در تلاش‌اند تا اجزای مختلف هویت خود را هم حفظ کنند (تافلر، ۱۹۸۹، ص ۲۹۴ و ۳۱۶). همچنین، به سبب مهاجرت‌های گسترده، ترس از بی‌ریشگی فرهنگی شدت می‌یابد که در این میان، احتمال کشیده شدن اقلیت‌ها به سمت تعصب‌گرایی و افراط نیز وجود دارد (تافلر، ۱۹۹۱، ص ۲۲۳). موج سوم از یک‌سو، مسئله فراملیتی را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، موجب می‌شود احساسات ناسیونالیستی و ملی‌گرایی کمتر شود (تافلر، ۱۹۸۹، ص ۳۲۲). در این میان، به احتمال زیاد، به دلیل عدم توجه به ناهمگنی‌های فرهنگی، ملی‌گرایی به سمت قوم‌گرایی و ناحیه‌گرایی کشیده شود. در این حالت ممکن است تعارض بین اقلیت‌ها به افزایش تنش و خشونت منجر شود. به نظر *تافلر*، در جوامع آینده، برخورد هویت‌های متعدد گروهی به مسئله‌ای بحران‌آمیز تبدیل خواهد شد. بنابراین، انتظار می‌رود تنش‌های فرهنگی در جوامع آینده، رو به افزایش رود. در گزارش آینده‌پژوهی ۱۳۹۶، تمایل به تکثر فرهنگی مهم‌ترین مسئله فرهنگی ایران، از نظر کارشناسان بوده است و چالش‌های قومی، محلی در رده متغیرهای با اهمیت زیاد قرار گرفته است (آینده‌بان، ۱۳۹۶، ص ۱۵۰). درحالی‌که حتی در شاخص‌های فرهنگی نقشه مهندسی فرهنگی کشور، هویت قومی در بین شاخص هویت آورده نشده است. از جمله هویت‌های مورد اشاره در این سند، هویت ملی، هویت دینی، فرهنگ و میراث فرهنگی، اجتماعی و هویت سیاسی است. به خرده‌فرهنگ‌ها و روابط بین قومی و مذهبی فقط در بخش شاخص وحدت و انسجام اشاره شده است (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲). با وجود تفاوت‌ها در میان فرهنگ‌های مختلف جهان، گرایش به سوی خرده‌فرهنگ‌ها، روزبه‌روز اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد. گرچه حرکت از ملی‌گرایی به ناحیه‌گرایی، از جمله چالش‌های فرهنگی آینده ایران و جهان خواهد بود، اما پژوهش‌ها نشان

می‌دهند که هویت‌های قومی برای یکپارچگی و وحدت ملی و امنیت ملی چالش برانگیز محسوب نمی‌شوند (صمیم، ۱۳۹۰). در سند چشم‌انداز، از بین ۵۲ سیاست کلی، به صورت مستقیم اشاره‌ای به قومیت فرهنگ‌های متفاوت نشده است. در بند ۲۰ این سند، ایجاد تعادل میان مناطق مختلف کشور، به‌عنوان یکی از گزینه‌های تقویت امنیت و اقتدار ملی بیان شده است. در این سند، در بخش امور فرهنگی در بند ۵، به شکل کلی به تقویت وحدت و هویت ملی، مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی، فرهنگ و تمدن و هنر ایرانی اسلامی اشاره شده است.

۳. توجه به ارزش‌ها و معنویات

از آنجاکه بین دین و فرهنگ، ارتباط نزدیکی وجود دارد؛ برخلاف دوران صنعتی، دین و معنویت در جوامع آینده مورد توجه بیشتری قرار خواهد گرفت. تمدن موج سوم و دوران فراصنعتی، شاهد ظهور عرفان‌ها و گروه‌های دینی زیادی خواهد بود. همچنین، مذاهب بنیادگرا به سرعت احیا می‌شوند؛ زیرا مردم از روی یأس و نومیدی در جست‌وجوی هر چیزی هستند که بتواند به آن ایمان آورد و به آن چنگ زند، (تافلر و تافلر، ۱۹۹۵، ص ۲۸۸). در بُعد مذهبی، تافلر عقب‌نشینی سکولاریسم را در کشورهای مختلف پیش‌بینی می‌کند (تافلر، ۱۹۸۹، ص ۴۱۴). وی بازگشت نهایی به مذهب را بازتاب فروپاشی باورهای موج دوم، مانند ملت‌گرایی و علم‌گرایی می‌داند. در این میان، سوءاستفاده سیاسی از جریانات مذهبی نیز رو به افزایش خواهد رفت (تافلر و تافلر، ۱۹۹۳، ص ۲۶۰). به نظر آنها، آتش شور و اشتیاق مذهبی خواه واقعی باشد، یا پوششی برای دیگر احساسات، از سوی عوام‌فریبان سیاسی شعله‌ور خواهد گردید و بسیار آسان به تب خشونت تبدیل می‌شود. بنابراین، لازم است دولت‌ها و نهادهای فرهنگی در این باره هوشیار باشند. بر اساس نظر تافلر، دین و معنویت در جوامع آینده، نقش مهمی پیدا خواهند کرد، به‌گونه‌ای که تمدن موج سوم، شاهد ظهور عرفان‌ها و گروه‌های دینی زیادی می‌گردد. نقش مهم دین و معنویت در جوامع آینده، در گزارش آینده‌پژوهی نیز تأکید شده و گرایش به معنویت‌گرایی‌های جدید و غیربومی در رده متغیرهای دارای اهمیت آمده است (آینده‌بان، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵). در راستای توجه به ارزش‌ها و معنویات، در بند ۱ و ۷ سند چشم‌انداز، به اعتلای معرفت و بصیرت دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و همچنین، سالم‌سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهی‌ها و فضائل اخلاقی تأکید شده است. در ماده ۹۵ برنامه ششم، توسعه فضاهای فرهنگی و بهره‌گیری از اماکن مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد، به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه، به اقداماتی نظیر تشکیل کانون‌های فرهنگی هنری در مساجد، استفاده بهینه از ظرفیت معنوی اماکن زیارتی و توسعه امکانات و خدمات این مکان‌ها اشاره گردیده است. در راهکارها و اقدامات اشاره شده در این سند، بیشتر به جنبه‌های ساختاری و اقتصادی فضاهای فرهنگی توجه شده است.

۴. هویت‌یابی

به عقیده تافلر، تغییرات مداوم منجر به ایجاد شایع‌ترین بیماری معاصر که بحران هویت است، نیز می‌گردد. در جوامع فراصنعتی، به دلیل افزایش آگاهی افراد و توجه به فردیت، ساخت هویت فردی توسط خود اشخاص صورت

می‌گیرد، اما روبرو شدن فرد با فراوانی و پیچیدگی انتخاب‌های متعدد، به ایجاد بحران در روند هویت‌سازی منجر می‌گردد (تافلر، ۱۹۷۱، ص ۱۶۳). همچنین، او معتقد است: انسان‌های آینده به‌طور مداوم در معرض سبک‌ها و خرده‌کیش‌هایی که به‌طور مرتب در تغییرند، قرار می‌گیرند که این امر سبب تغییر مرتب هویت افراد می‌گردد (همان، ص ۱۵۷؛ همو، ۱۹۸۹، ص ۱۲۴). از خودبیگانگی نیز از جمله چالش‌های هویتی است که افراد در آینده با آن روبرو خواهند شد (همو، ۱۹۸۹، ص ۲۰۷). در رؤیای رویی با تغییرات، بین آنچه مورد باور افراد است و آنچه واقعاً وجود دارد، شکاف ایجاد می‌شود. اگر اشخاص نتوانند خود را با این وضعیت تطبیق دهند، نخواهند توانست با محیط کنار بیایند و ناخودآگاه پدیده از خودبیگانگی شکل می‌گیرد. گرچه افراد برای هویت‌یابی، خود را به خرده‌کیش‌ها و سبک‌های متفاوت و متنوع وصل می‌کنند، اما به دلیل عدم تعهد و وابستگی و ناپایداری‌های موجود در آینده، مرتب روش خود را هم تغییر می‌دهند. در نهایت، برای رفع این بحران‌ها به روان‌درمانی‌های گروهی، شکل‌های مختلف از عرفان‌ها، گروه‌های مد و... روی خواهند آورد. در این رابطه، در بند ۵ سند چشم‌انداز، به تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی و آگاهی کافی درباره تاریخ ایران، فرهنگ و تمدن و هنر اسلامی تأکید نموده است. در بند ۱۵، بر تقویت هویت ملی جوانان، متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی و در بند ۱۹ به حفظ هویت اسلامی و ایرانی اشاره گردیده است. به‌طور کلی در زمینه هویت‌یابی، راهکارهای اسناد توسعه آگاه ساختن جوانان نسبت به موارث غنی فرهنگی، اسلامی و ملی و مبارزه با روحیه از خودبیگانگی، در برابر فرهنگ غرب، تلاش برای شناخت شیوه‌های تهاجم فرهنگی دشمن و برنامه‌ریزی برای مقابله جدی با آن، صیانت از هویت فرهنگ اسلامی ایرانی، تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان‌های انقلاب و تأکید بر الگوی توسعه اسلامی ایرانی هست.

۵. نهاد خانواده

تافلر، درباره خانواده در موج سوم از یک‌سو، تنوع ساختار خانواده را پیش‌بینی می‌کند. به نظر او، خانواده در موج سوم به سمتی می‌رود که انواع مختلف زندگی اعم از تک‌والدی، مجردی، خانواده هسته‌ای و... را دربر می‌گیرد. اما از سوی دیگر، بر تمایل جوامع آینده به بازگشت به خانواده تک‌هسته‌ای و گسترده موج اول هم تأکید می‌کند (تافلر، ۱۹۸۹، ص ۲۱۵). موج سوم، تنوع ساختارهای خانواده را به دنبال دارد و با هجوم این موج، نظام خانوادگی همگام با نظام تولید و ساختار اطلاعات و فناوری دستخوش تغییرات خواهد شد. به‌گونه‌ای که خانواده هسته‌ای فقط یکی از اشکال مورد پذیرش در اجتماع، می‌شود. این امر به این معنی نیست که خانواده در موج سوم از هم می‌پاشد، بلکه بر این واقعیت دلالت می‌کند که در همان حال که خانواده هسته‌ای موج دوم سلطه‌اش را از دست می‌دهد، اشکال دیگری از خانواده جایگزین آن خواهد شد. در کنار این تغییرات، سبک زندگی آینده، به نوعی بازگشت به تداوم نیز می‌رسد؛ زیرا جوامع آینده موج سومی، با جوامع موج اول مشابهت‌هایی پیدا می‌کنند، بازگشت به سنت‌های گذشته، از جمله توجه به خانواده هسته‌ای، نیز در حال شکل‌گیری است (تافلر، ۱۹۸۹، ص ۲۸۸). تافلر، همچنین پیش‌بینی می‌کند که شیوه‌های کار در آینده، می‌تواند به تداوم خانواده‌ها کمک کند. وی با طرح کلیه الکترونیک معتقد است: در جوامع آینده، انتقال کار، تولید و... از کارخانه‌ها و

ادارات به خانه‌ها امکان‌پذیر است (همان، ص ۲۰۷). به عبارت دیگر، انجام کار در خانه، می‌تواند جزئی از سبک زندگی آینده باشد. این نوع کارکرد، در تحکیم روابط خانوادگی نیز مؤثر است و موجب می‌شود که افراد خانواده، زمان بیشتری را با هم باشند. همکاری اعضای خانواده در فعالیت‌ها در دوام و پایداری خانواده مؤثر واقع می‌گردد.

در میان مسائل مهم جامعه ایرانی نیز در سال ۱۳۹۳، چهار موضوع عمده و اساسی در رابطه با خانواده، زندگی خانوادگی تشخیص داده شده است که عبارتند از: افزایش آمار طلاق، کاهش آمار ازدواج، افزایش سبک زندگی مجردی و افزایش ناهنجاری‌های جنسی. این چهار موضوع، با محور کلی تزلزل نهاد خانواده مورد بررسی قرار گرفته شده است (آینده‌بان، ۱۳۹۳، ص ۵۲). همین موضوع، در سال ۹۴ و ۹۵ نیز از جمله متغیرهای اصلی مسائل اجتماعی بوده است. در بند ۱۴ سند چشم‌انداز، ذیل امور اجتماعی، سیاسی و دفاعی به تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها اشاره شده است. در سند توسعه ششم، در ماده ۱۰۱ بیان شده که کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند نسبت به تقویت و تحکیم نهاد خانواده و جایگاه زن در آن اقدام نمایند و با رعایت شاخص‌های الگو و سبک زندگی اسلامی-ایرانی در این جهت تلاش کنند. در ادامه، برای حفظ نهاد خانواده، مقابله فعال و هوشمند با جنگ نرم در عرصه خانواده و منع نشر برنامه‌های مخمل ارزش‌ها در حیطه خانواده، توصیه شده است. محورهای اصلی سبک زندگی اسلامی، ایرانی در این سند عبارتند از: حفظ حرمت خانواده، فرهنگ افزایش پابندی زوجها به خانواده و ترویج ازدواج و ضدارزش بودن طلاق (ماده ۱۰۴، برنامه ششم).

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله، با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی آینده، به واکاوی رویکردهای اسناد توسعه جمهوری اسلامی ایران بر اساس یک نگاه آینده‌گرا پرداخته است. *آلومین تافلر* (۲۰۱۶-۱۹۲۸)، نویسنده و پژوهشگر، که بعضاً از او به‌عنوان «پاپ» یا مرجعیت آینده‌گرایی یاد می‌کنند. وی تمام زندگی حرفه‌ای خود را بی‌وقفه کار در ارائه تصویری از آینده قرار داد که آکنده از بیم و امیدهاست. همه اندیشه‌ها و آثار *تافلر*، درباره آینده‌گرایی پیرامون محور تغییر می‌چرخند، تغییراتی آنچنان سریع و غافلگیرکننده که از آن به‌عنوان «شوک آینده» یاد می‌کند. موج تغییرات، چنان دامنه‌دار و فراگیر است که در هر صورت تمامی جوامع را دربر خواهد گرفت. *تافلر* در کتاب *موج سوم*، به سه موج از تحولات کشاورزی، صنعتی، فراصنعتی یا عصر اطلاعاتی می‌پردازد و آثار و پیامدهای این امواج را در ساحت‌های گوناگون زندگی بشری بررسی می‌کند. همچنین، وی در کتاب *جابه‌جایی در قدرت*، معنای تازه‌ای از قدرت به دست داده، نشان می‌دهد که در قرن بیست‌ویکم، چگونه معنای قدرت تغییر یافته و از عضله و کار یدی موج اول، به قدرت پول در موج دوم و در نهایت، به دانش در موج سوم، انتقال پیدا کرده است. وی پیامدهای جابه‌جایی قدرت را به‌طور عمیق در اقتصاد سیاست، آموزش و دیگر حوزه‌ها کاویده است.

از آنجایی که تحقق آرمان‌ها، بدون در نظر گرفتن وقایع و اتفاقاتی که قرار است با آنها مواجه شویم، امری دور از دسترس خواهد بود. لازم است با در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود، بدانیم در آینده از یک‌سو، چه فرصت‌هایی در

اختیار داریم و چگونه از این فرصت‌ها می‌توان در جهت تحقق آرمان‌های جامعه بهره گرفت. از سوی دیگر، با چه تهدیدها و چالش‌هایی مواجه هستیم و چگونه می‌توان با برنامه‌ریزی و تدبیر آنها را به فرصت تبدیل نمود. در مسیر حرکت به سوی آینده اجتناب‌ناپذیر، لزوم شناخت تحولات فرهنگی حاصل از ظهور تمدن فراصنعتی امری ضروری است. بنابراین، لازم است که با ایجاد یک نگاه بومی، به مسائل پیش‌روی حوزه فرهنگ، تدابیر و سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه را در برابر واقعیت‌ها و آنچه در آینده رخ خواهد داد، اتخاذ نمود.

در این پژوهش، پس از تحلیل محتوای کیفی در اسناد موجود، مضامین پایه الزامات فرهنگی آینده که شامل توسعه روابط فرهنگی در سطح جهانی، توسعه قومیت‌گرایی، رشد ارزش‌ها و معنویات، هویت‌یابی فردی و نهاد خانواده هستند، به دست آمدند.

از آنجا که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، از جمله ویژگی‌های جامعه ایرانی، تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت بیان شده است و بر اساس پیش‌بینی این سند، ایران به لحاظ حضور تأثیرگذار در سطح جهان جایگاه ممتازی خواهد داشت، لازم است که روابط فرهنگی در برنامه‌های توسعه، بیشتر مورد توجه قرار گیرد. اما آنچه در این مورد قابل تأمل است و می‌تواند به‌عنوان نقطه‌ضعف این اسناد محسوب گردد، این است که تبادلات و روابط در اسناد، غالباً در جهت سیاسی و اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است و به تعاملات فرهنگی کمتر توجه شده است. از این‌رو، انتظار می‌رود که در اسناد توسعه بعدی، به تبادلات فرهنگی بخصوص از بُعد صنعت توریسم و گردشگری به شکل دوجانبه بیشتر توجه شود. به عبارت دیگر، دولت وظیفه دارد همان‌گونه که جهت رونق گردشگری و حضور اتباع فرهنگی مختلف در کشور برنامه‌ریزی می‌کند، زمینه‌های مساعدی نیز برای حضور ایرانیان برای آشنایی با دیگر فرهنگ‌ها را نیز فراهم سازد. در مجموع، مسیر گردشگری خارجی را تسهیل و هموار سازد. این‌گونه می‌توان فرهنگ غنی ایرانی اسلامی را در سطح جهانی مطرح نمود.

همچنین، طبق یافته‌های این پژوهش، توسعه قومیت‌گرایی در اسناد کمتر مورد توجه بوده است. با وجود گسترش پیوندهای فرهنگی و گرایش به سوی تکثر فرهنگی، در سند چشم‌انداز و برنامه ششم، توسعه قومیت‌گرایی و فرهنگ‌های بومی با توجه به وحدت و انسجام در قالب یکپارچگی ملی مورد توجه قرار گرفته شده و به تفاوت‌های فرهنگی اشاره‌ای مستقیم نشده است. باید توجه داشت که در جریان برقراری وحدت ملی با اتخاذ رویه یکسان، احتمال تقلیل‌گرایی وجود دارد، ممکن است نیازهای خاص فرهنگ‌های قومی حذف شوند. از آنجا که در آینده، با افزایش مسئله فراملیتی، احساسات ناسیونالیستی و ملی‌گرایی کمتر می‌گردد. لازم است که دولت در کنار رویکرد ملی‌گرایی و سیاست تحکیم وحدت ملی، نسبت به خرده‌فرهنگ‌ها توجه نماید. نادیده گرفتن خرده‌فرهنگ‌ها، منجر به بروز آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مختلفی خواهد شد. از این‌رو، ضروری است که در اسناد جدید توسعه، دولت نسبت و خواست‌های اجتماعی و فرهنگی قومیت‌ها متعهد باشد و نیازهای ویژه از جمله آموزش زبان‌های مادری در کنار زبان رسمی کشور نیز در نظر گرفته شوند.

در اسناد توسعه، گرچه به فرهنگ‌سازی در زمینه ارزش‌ها و معنویات توجه خاصی شده است، اما در بیشتر موارد راهکارهای ارائه شده، مربوط به محورهای فیزیکی و ساخت‌های روبنایی‌اند. همچنین، این راهبردها بیشتر به بُعد آیینی و مناسکی دین رسمی کشور تأکید دارند و به ابعاد دیگر دین‌ورزی و معنویت، توجه کمتری شده است. در رابطه با دینداری نیز هیچ اشاره‌ای به اقلیت‌های مذهبی موجود در کشور نشده است. در روند اجرایی این اقدامات از یک‌سو، بر خودگردانی فعالیت‌های فرهنگی تأکید شده و از سوی دیگر، به همگون‌سازی فعالیت‌های فرهنگی و نظارت بر روند اجرای آنها، توسط دولت اشاره شده است. در این میان، تأثیر ساختار تمرکزگرا و آمرانه بر فرهنگ‌سازی آشکار است. به نظر می‌رسد، راهکارهای ارائه شده در بُعد فرهنگ‌سازی و توجه به معنویات بیشتر جنبه بیرونی و ازپیش‌تعیین شده دارند. در نتیجه، فردیت و عاملیت انسان‌ها، کمتر مورد نظر قرار گرفته است. این نکته، موجب می‌شود که افراد و جامعه به وظایف فرهنگی و معنوی از بُعد قانونمندی و جامعه‌پذیری نگاه کنند. بنابراین، لازم است که اسناد جدید به توسعه توانمندی فردی و اجتماعی افراد، در عرصه دین‌ورزی بیشتر میدان داده و همه ابعاد معنویت و دینداری را مدنظر قرار دهند.

در آینده به دلیل وجود انتخاب‌های متعدد از یک‌سو، و دامنه فراگیر اطلاعات از سوی دیگر، آگاهی و فردیت افراد افزایش یافته و در نتیجه، ساخت هویت توسط خود افراد، صورت خواهد گرفت. از آنجاکه هویت انسان دو وجهه فردی و جمعی دارد، به نظر می‌رسد، در اسناد بر نقش فردی افراد، در ساختن هویت خود کمتر توجه شده است. در راهکارهای مربوط به شکل‌گیری هویت‌ها، نظارت و دستورات بیرونی، نسبت به فعال بودن فرد، نقش غالب و پررنگی دارند. هویت‌یابی در اسناد توسعه با تأکید بر هویت اسلامی ایرانی، به صورت جمعی و هدایت‌شده در راستای یکپارچگی ملی به چشم می‌خورد و بر هویت جمعی تأکید بیشتری شده است.

در موج سوم اطلاعات، نهاد خانواده در معرض چالش‌ها و خطراتی است که *تافلر* پیش‌بینی نموده است. بنابراین، تحکیم خانواده و حفظ این نهاد، از ضرورت‌های زندگی آینده می‌باشد. این نکته، در همه اسناد توسعه جمهوری اسلامی، مورد تأکید قرار گرفته است. در این رابطه، لازم است برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشور، از چالش‌هایی آینده به‌عنوان فرصت‌هایی برای این منظور استفاده کنند. به‌عنوان مثال، هر قدر که بتوان از شرایط و امکانات فناوری برای انتقال فرصت‌های شغلی به داخل خانواده استفاده شود، افراد خانواده می‌توانند زمان‌های بیشتری را در کنار هم سپری نمایند. به نظر می‌رسد، اسناد توسعه جدید باید توجه بیشتری به کارآفرینی و استارت‌آپ‌های خانوادگی نشان دهند. همچنین، برای ایجاد قوانین اجرایی مانند بهره‌مندی زوج‌های شاغل از قانون‌های دورکاری، تقلیل ساعات کاری زنان و اختصاص مرخصی‌های خاص، برای مردان شاغل برای حضور بیشتر در خانه، لازم است تمهیداتی در نظر گرفته شود. در کنار توجه به زنان شاغل، تسهیل روند بیمه زنان خانه‌دار نیز می‌تواند در تحکیم نهاد خانواده مؤثر واقع گردد. بنابراین، لازم است این موارد در اسناد آینده به‌عنوان راهکارهای اجرایی و عملی در نظر گرفته شود. در مجموع در سند توسعه ششم، نگاه سیستمی به مسائل جامعه بیشتر دیده

می‌شود. از این لحاظ، اجزا و ساختارهای مختلف جامعه مورد توجه قرار گرفته‌اند. به طوری که این برنامه شامل بیست بخش اساسی جامعه می‌گردد و تقریباً به همه مسائل درگیر و مرتبط نگاه خاصی شده است. اما همچنان به برنامه‌های اقتصادی توجه بیشتری گردیده است. این مهم ایجاب می‌کند که برنامه‌ریزی‌های آینده، با توجه به این تغییرات، پیوسته تجدیدنظر شوند و انتظار می‌رود که در تدوین اسناد توسعه جدیدتر به تحولات و چالش‌های فرهنگی مرتبط، توجه بیشتری گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- آزاد ارمکی، تقی و نوح منوری، ۱۳۹۱، «تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی ایران، بر اساس قانون اساسی، سند سیاست‌های فرهنگی و برنامه پنجم»، *راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، سال اول، ش ۹۱، ص ۳۷-۷.
- آقابخشی، علی، ۱۳۷۴، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- آینده‌بان، ۱۳۹۳، *گزارش آینده‌پژوهی ایران*، رسانه تخصصی آینده‌پژوهی، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، انتشار دیجیتال.
- آینده‌بان، ۱۳۹۴، *گزارش آینده‌پژوهی ایران*، رسانه تخصصی آینده‌پژوهی، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، انتشار دیجیتال.
- آینده‌بان، ۱۳۹۵، *گزارش آینده‌پژوهی ایران*، رسانه تخصصی آینده‌پژوهی، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، انتشار دیجیتال.
- آینده‌بان، ۱۳۹۶، *گزارش آینده‌پژوهی ایران*، رسانه تخصصی آینده‌پژوهی، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، انتشار دیجیتال.
- ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی، ۱۳۹۰، «تحلیل محتوای کیفی»، *پژوهش*، سال سوم، ش ۲، ص ۱۵-۴۴.
- خوارزمی، شهین‌دخت، ۱۳۹۵، ماهیت و میراث فکری آلبین تافلر مصاحبه، مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی.
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲، نقشه مهندسی فرهنگی کشور.
- دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۴، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت.
- صمیم، رضا، ۱۳۹۰، «ارزیابی سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در برساخت هویت ملی در مواجهه با تکثر قومی»، انجمن ایران مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۲۳، ص ۱۴۴-۱۵۷.
- قانون برنامه اول توسعه، ۱۳۶۸، *مصوبه مجلس شورای اسلامی*، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- قانون برنامه پنجم توسعه، ۱۳۹۰، *مصوبه مجلس شورای اسلامی*، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- قانون برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۴، *مصوبه مجلس شورای اسلامی*، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- قانون برنامه دوم توسعه، ۱۳۷۴، *مصوبه مجلس شورای اسلامی*، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- قانون برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۹، *مصوبه مجلس شورای اسلامی*، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- قانون برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۶، *مصوبه مجلس شورای اسلامی*، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- گزارش فرهنگ رسانه و اجتماعی، ۱۳۹۵، *ایجاد فرهنگی برنامه ششم توسعه*، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ش ۱۱.
- گوتک، جرالده، ال، ۱۳۸۸، *مکاتب فلسفی و آرا تربیتی*، ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت، تهران، سمت.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۴، *سند راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برنامه ششم توسعه*، ویرایش هفتم، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عادل مهربان، مرصیه، ۱۳۹۴، *مروری بر تحلیل محتوای کیفی و کاربرد آن در پژوهش*، اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی.
- Boreus, K, & Bergstrom, G, 2017, *Analyzing Text and Discourse*, SAGE Puplications LTD.
- Hsieh, H, & SHanon, s, 2005, Three Approaches to Content Analysis, *Qualitativr Health Research*, v. 15, N. 9.
- Pantzar, M, 2010, Future Shock – Discussing the Changing Temporal Architecture of Daily Life Journal of Futures Studies, 14: pp1 - 22
- Strathern, O (2007). A Brief history of the future. Endeavor Press.
- Schreiner, c, et al, 2005, *Climate education empowering today,s youth to meet tomorrow, s challenges*, Studies in science education (in press).
- Schiro, S, 2007, *Curriculum theory*, Saga, Publishing.
- Strathern, O, 2008, *A Brief history of the future*, Endeavor Press.
- Toffler, A, 1989, *The thirdwave*, Bantam, Book.
- _____, 1991, *Power shift*, Bantam books.
- _____, 1971, *Future shock*, Bantam book.
- Toffler, A, & Toffler, H, 1993, *War and anti war*, A Time Warner Company.
- _____, 1995, *Crating a new civilization*, Turner Publishing Inc, Atlanta USA.